

موجود عجیب رفت بالای درخت و بعد به سمت شاخه ای که طناب تله آن جا بود رفت، دل تو دل پشمک نبود، نمی دونست این موجود غریبه چه کاری انجام خواهد داد؟!



با دوستان من چکار کردی؟  
کی هستی؟ چرا تله گذاشتی؟

پشمک سروته شده بود و همه درخت های جنگل را سروته می دید؛ تا آمد دوستانش را صدا بزنند دید یک موجود سبز و عجیب بهش نزدیک شده.

موجود فضایی گره را باز کرد و پشمک محکم افتاد روی زمین!  
موجود آمد بالای سر پشمک، پشمک ترسیده بود ...



تیغ تیغی؟ برفی؟ یکی بیاد کمکم!